

**جامعه‌شناسی گردش‌نخبگان در ترکیه**



**علی سعادت آذر**  
پژوهشگر ارشد ترکیه

رجب طیب اردوغان و کابینه جدیدش در حالی قدم در پنج ساله بعدی سیاست در ترکیه می‌گذارند که انتخاب وزرای جدید و رفتن برخی نخبگان سیاسی کارآمد کمی غافلگیر کننده بود. نکته اول اینکه همگان دیدند که اگرچه جریان‌های کردگرا در ترکیه با پشت کردن به اردوغان پیروزی او را در انتخابات اخیر سخت و پرهزینه کردند، اما انتخاب دو شهروند کرد در بهترین پست‌های سیاسی، جودت ییلماز، معاون رئیس جمهوری و محمد شیمشک، وزیر خزانه‌داری و مالی، نشان داد که رابطه عدالت و توسعه با شهروندان کرد بیش از دیگر احزاب است. البته حزب عدالت و توسعه به دنبال ایجاد جریان مورد پسند خود از کردهاست. اردوغان با این انتخاب پیام داده که صدای آنها را شنیده است. مهم‌ترین تغییرات در کابینه ام‌فقدان سه شخصیت اثرگذار است؛ مولود چاووش اوغلو که دیپلماتی ارزنده در سیاست خارجی ترکیه بود که جای خود را به حاکان فیدان، رئیس سرویس امنیت خارجی داده است. چاووش اوغلو نقشی قابل توجه در سیاست خارجی ترکیه داشت؛ به ویژه در دوسال گذشته که با سیاست موازنه غرب و شرق هم از غرب بهره برد و هم از روسیه گرفتار در بحران‌های متعدد. چاووش اوغلو در سیاست‌های منطقه‌ای نیز شخصیتی متعادل بود، با درکی بالا از شرایط و منافع ملی و موفق در اوراسیا و خاورمیانه پرآشوب؛ اشتباهاتی که داوود اوغلو در شعله‌ور شدن جنگ سوریه مرتکب شده بود را به خوبی مدیریت کرد. او از نخبگانی است که در عدالت و توسعه نامی برای خود دست و پا کرد اما حضورش به بیش از یک دوره نکشید. سلیمان سولیو، وزیر کشور هم مهره دومی بود که از پست مهمش خداحافظی کرد. او در سال‌های گذشته و در روزهای پر فراز و نشیب ترکیه در ایجاد ثبات نقشی بی‌بدیل بازی کرده بود. او متخصص موازنه سه جریان گولن، کرد و لائیسنته افراطی بود که از پست وزارت کنار رفت. در مواقعی که شایعه بیماری اردوغان قوت می‌گرفت انگشت اشاره به سمت او برای جایگزینی اردوغان می‌رفت. سرلشکر حوصلی آکار، وزیر دفاع هم با دولت وداع کرد. نقش او در ناتو هم اثرگذار بود. اگرچه وزرای دیگری هم کنار رفتند، اما این سه چهره بیشتر از بقیه به چشم می‌خوردند. چندین سناریو در مورد تغییرات اشخاص گفته شده مطرح است: اول اینکه آنها به عنوان نماینده مجلس برای پست‌های مهم دیگری آماده خواهند بود؛ مانند ریاست مجلس و یا شهرداری‌های مهم استانبول و آنکارا. از دست رفتن شهرداری‌های مهم آنکارا و استانبول در انتخابات شهرداری‌ها که بیش از ۴۰ درصد سرمایه‌گذاری خارجی ترکیه در این دو شهر بزرگ انجام شده، سال‌هاست که رنگ خطر را به صدا درآورده و از قدرت داخلی مهمی حزب عدالت و توسعه کاسته است. قطعا این حزب بر نامه مهمی برای بازپس‌گیری آن‌ها خواهد داشت. دوم تحلیل جامعه‌شناختی از حضور نخبگان بلندقد است. شاید آنها هم به سرنوشتی شبیه دیگری چون عبدالله گل و احمد داوود اوغلو و علی باباجان دچار شوند و اردوغان از الان پیش بینی آینده را می‌کند و افق‌های به کار بیشتر با نخبگان تراز اول ندارد تا همچنان خودش باشد و همه او را ببینند. سناریوی سوم؛ گردش نخبگانی و مدیران ارشد است که اگر این احتمال درست باشد کار بسیار ارزشمندی است و بر کارآمدی و توان ملی ترکیه خواهد افزود. بدیهی است هر اندازه گردش نخبگان در امور بیشتر باشد به همان اندازه خود کل بندهای آنها کمتر خواهد شد و بر قابلیت‌های سیستمی یک نظام سیاسی خواهد افزود. ضمن آنکه این گردش نخبگانی از بروز فسادهای مزمن اقتصادی، رانت بازی و مطلق گرایی خواهد کاست. کارایی یک فرد، به منزله ناکارآمدی دیگران نیست و اتفاقا کادرسازی مهم‌ترین وظیفه کارکردی احزاب است. سناریوی بعدی ایجاد تغییرات گسترده و بازی‌های متفاوت در سیاست داخلی و خارجی است؛ در این صورت باید به دنبال چه‌راهی متفاوت‌تر در ترکیه نیز بود که البته به نظر بنده بعید است. نگاهی دقیق به جامعه‌شناسی نخبگان در ترکیه نشان می‌دهد که گذر از نخبگان سیاسی به هر دلیلی بسیار راحت است و تفاسیر بسیاری نیز وجود دارد، اما به نظر این پژوهشگر حوزه ترکیه، نخبگان در هر شرایطی حتی کارآمدی می‌توانند جای خود را به نسل‌های دیگر برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بدهند.

**خبر**

قاسم محبعلی:

**حل‌پرونده‌ها در آژانس زمان‌پرست**

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره ضرورت همکاری ایران و آژانس گفت: آژانس براساس ارزیابی اطلاعات عمل می‌کند، اما اطلاعات امکان دارد متنوع به آژانس برسد. ضمن آنکه خیلی سخت است که آژانس اعلام کند «برنامه هسته‌ای ایران صرفا صلح‌آمیز است.» قاسم محبعلی بیان کرد: مأموریت آژانس آن است که بررسی‌های لازم را درباره فعالیت‌های هسته‌ای اعضای خود انجام و درباره صلح‌آمیز بودن این فعالیت‌ها نظر دهد. پیومدن این پروسه ارزیابی خیلی مشکل و پیچیده است چون باید خیلی شفاف‌سازی و همکاری انجام شود. ایران نیز اگر دنبال گرفتن تأیید آژانس است باید همین مسیر را برود و راه دیگری وجود ندارد. مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت امور خارجه عنوان کرد: خیلی کشورهای دیگر مثل کره جنوبی، آرژانتین، آفریقای جنوبی، برزیل و ژاپن هم بودند که حتی سطح فعالیت‌های هسته‌ای‌شان بالاتر از ایران بود و مشکلات کنونی ما را داشتند؛ حل‌پرونده‌های آنها در آژانس نیز زمان‌برد متلازمنی‌ها با وجود داشتن روابط خوب با غرب ۲۰ سال طول کشید تا توانستند تأیید صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای‌شان را از آژانس بگیرند. وی با بیان اینکه ما باید مشکلات سیاسی مان را با غرب و کشورهای منطقه حل کنیم، ادامه داد: هم‌زمان با حل مشکلات سیاسی باید تلاش کنیم با آژانس به توافق برسیم. این هم یک تصمیم سیاسی است. امروز باید به یکسری سوالات پاسخ دهیم که چه طور می‌توانیم بین منافع اقتصادی و فعالیت‌های یک تعادل و توازن برقرار کنیم.

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

**بازایش اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو هستیم**

**با تولد جامعه جدید ایرانی مواجه هستیم**

**سناریوهای متعددی پیش‌روی جامعه ایران قرار گرفته است**

**با تکثر خانواده در ایران مواجه هستیم**

**در جامعه جدید ایران پرهیز از خشونت وجود دارد**

**آرمان ملی- احسان انصاری: جامعه ایران با توجه به چالش‌هایی که پیش‌رو دارد به چه سمتی حرکت می‌کند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوال با دکتر تقی آزادارمکی گفت‌وگو کرده است. آزادارمکی معتقد است: «ما با زایش یک جامعه جدید ایرانی روبه‌رو هستیم که در این جامعه جدید قطعا مسائل متفاوت مطرح است. به عنوان مثال اگر تادیروز دغدغه‌دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی و اخلاق و دین و از آن طرح دموکراسی و سامانه اجتماعی بود، الان هیچ کدام مسأله اول نیستند. مفهوم زندگی اول است. مفهوم زندگی اجتماعی واقعاً در اینجا استعماری نیست و در اینجا خود را به خوبی نشان می‌دهد. گفتمان یک تغییر عنصر مرکزی و یک فضای فرهنگی و اندیشه‌ای است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

**چرا رویکردی که لایه‌های پنهان جامعه ایران در پیش گرفته نسبت به لایه‌های بیرونی تفاوت پیدا کرده است؟ خواست و اراده جامعه ایران در شرایط کنونی حرکت جامعه به چه سمتی است؟**

ما وارد دوره جدیدی از جامعه ایرانی شده‌ایم و با تولد جامعه جدید ایرانی مواجه هستیم. این آن چیزی است که معمولا دوست نداریم بشنویم یا اینکه حتی ما هم چندان علاقه‌مند نیستیم که به عنوان واقعیت؛ بیرون از آنچه تصور می‌کردیم را مورد تأیید قرار دهیم. ما همیشه در بررسی‌های اجتماعی و سیاسی، یک نگاه گسسته به ایران داشته‌ایم که این نگاه گسسته به تاریخ اتفاقات و دوره‌های بر هم شده از هم برآمده است. چراکه کل تحولات تاریخ اجتماعی ایران را در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی و بعد هم چنداتفاق درون جمهوری اسلامی می‌بینیم که تحت عنوان دوره سازندگی و آموزش بودند و بعد هم دوره اعتدال و سپس ماجراهای امروز بودند که در حقیقت همه اینها صفات دولت‌هایی است که از جامعه برآمده بودند تا ویژگی‌ها و صفات اجتماعی جامعه. همه این دوران تا مقطع کنونی یک دوره واحد تاریخی است؛ دوره‌ای که دغدغه آن وصل شدن، فهم و وارد شدن به جهان مدرن است. به همین دلیل هم دولت‌هایی که در دوران طولانی آمدند و هم رژیم گذشته و هم جمهوری اسلامی و حتی گروه‌های سیاسی و احزاب تلاش کردند تا نیروها و عناصر جامعه ایرانی را به شکلی مدرن کنند. بنابراین یکی از طریق حزب و دیگری از طریق دانشگاه و تالیف کتاب و موسیقی و حوزه دین و نهادها و سازمان‌های اجتماعی تلاش کرده است. لذا این تلاش طولانی بیش از ۱۵۰ ساله جامعه ایرانی، برای ورود به جامعه مدرن است که مناقشه‌ها و منازعات آن را هم با همین معنا باید توضیح داد. حتی انقلاب مشروطه و یا انقلاب اسلامی هر دوی آنها با این منطق باید توضیح داده شوند. یا ماجرای برآمدن دولت‌ها مثل دولت‌اصلاحات و دولت سازندگی و غیره که همگی یک واکنشی در این عرصه هستند. پس ما یک دوره نسبتاً طولانی داریم که از بدو ورود و شروع به نوگرایی و نوسازی تا استقرارمان در جهان مدرن را می‌شود در این دوره بیان کرد.

**مهم‌ترین مختصات این دوران چیست؟**

ما با یک زایش اجتماعی، فرهنگی بزرگ روبه‌رو هستیم تا اعتراض یک گروه اجتماعی و یا چیزی تحت عنوان ناپسامانی اجتماعی. لذا برای توضیح این مسأله به علل و بسترهای آن اشاره می‌کنم. یکی از اصلی‌ترین بستر جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی به هر دو پایی نظام دینی کمک بسیاری در ورود به عصر مدرن کرده است. اگر جمهوری اسلامی نبود ما همچنان له له می‌زدیم برای ورود به جهان مدرن. لذا اگر جمهوری اسلامی نبود، یک انقلاب دیگری را به ثمر می‌رساندیم تا این کار صورت بگیرد. در واقع دست ما به‌ها و عناصر نظام اجتماعی سنت مانند دین و خانواده و خاندان و مناسبات فرهنگی و قومی و عشیره‌ای بودند که کمک کردند تا به این مسیر برسیم. نکته دیگر اینکه نیروهای متفاوت اجتماعی هر کدامشان دچار یک اختلال و یا آشفتگی و ناپسامانی شده‌اند. به عنوان مثال دوستانی که در حوزه دین فعالیت می‌کنند، ۲۰ الی ۳۰ سال است که فریاد می‌زنند ما با یک جامعه شبه دینی روبه‌رو هستیم. جامعه‌ای که آدم‌ها خود را دیندار قلمداد می‌کنند اما به لحاظ مناسکی دیندار نیستند. لذا در اینجا با تکثر و تنوع حوزه دینداری روبه‌رو هستیم. ما در حوزه خانواده نیز همین وضعیت را داریم. ما با تأکید بر اینکه می‌خواستیم خانواده را در اشکال گوناگون برپا کنیم، اما به یک نوع تکثر خانوادگی در ایران رسیده‌ایم. هیچ جای

**نگره**

**چراغ سبز غرب به گروسی بازی بُرد- بُرد**

به نظر می‌رسد برجام موقت، بیشتر خواست کشورهای اروپایی و امریکاست که تلاش دارند ایران بیش از این جلو نرود. به ظن آنان، اگر ایران از این سطح جلوتر برود به سمت تولید سلاح حرکت خواهد کرد. رویکرد ایران در قبال شرایط، بستگی به این خواهد داشت که منافع خود را در خطر ببیند یا خیر. سیاست خارجی مثل اقتصاد و بر اساس نظام هزینه و فایده تعریف می‌شود. باید ببینیم هزینه‌های سیاست فعلی برای کشور ما بیشتر است یا در آمد آن. طی هفته‌های اخیر، روندی مثبت در حوزه پرونده هسته‌ای ایران به جریان افتاده و حالا این روند ایجابی به نشست فصلی شورای حکام رسیده است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس انرژی اتمی روز دوشنبه ۱۵ خرداد در گفت و گو با خبرنگاران از پیشرفت‌هایی در حل پرونده مورد مناقشه ایران و آژانس خبر داد. به اعتقاد برخی تحلیلگران سیاسی، مسیر پیشرفت در پرونده هسته‌ای ایران از سفر «برت مک‌گورک»، مشاور ارشد بایدن در امور خاورمیانه به عمان در اردیبهشت آغاز شد. سفری که به نظر می‌رسد به شکل چراغ خاموش برای تعامل دیپلماتیک با ایران به خصوص برنامه هسته‌ای این کشور انجام شده بود. این تحولات در شرایطی است که اخیراً آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در کنفرانسی خبری گفت: «دیپلماسی مؤثرترین راه برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است.» همسو با این اظهار نظر، وزارت امور خارجه آمریکا، دوشنبه ۱۵ خرداد، بدون ذکر جزئیات اعلام کرد که ابزارهایی برای ارتباط و ارسال پیام با ایران در اختیار دارد. محمد مرندي، مشاور تیم مذاکره کننده ایران نیز در گفت و گوهای مربوط به لغو تحریم‌ها و مذاکرات هسته‌ای را گفت و گو با المیادین تأکید کرده: «اگر ایالات متحده پرونده‌های ادعایی علیه ایران را در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را ببندد و متن توافق هسته‌ای را ببندد، ایران مایل به اعضای آن خواهد بود.» اکنون مسئله مهم این است که توافق موقت چگونه شکل خواهد گرفت و آیا زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری توافق موقت بین ایران و آژانس فراهم است؟

**توافق موقت پیش‌های اقتصادی برای ایران ایجاد می‌کند**

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره احتمال گشایش روابط بین ایران و غرب و مذاکرات پشت پرده گفت: سخنان مرنده از سوی مقام‌های ایرانی و آمریکایی نشان دهنده وجود گفت‌وگوهایی است که جریان دارد، هر چند که میزان پیشرفت این گفت و گوها نامشخص است. علت این که طرف آمریکایی تا پیش از این، مذاکرات با ایران را تکذیب می‌کرد و اکنون تأیید می‌کنند، به دو محور اصلی مرتبط است: نخست؛ مسائل داخلی ایران، تظاهرات ایرانیان خارج از کشور و فشاری که روی کشورهای غربی (اروپا و آمریکا) بود، اعلام رسمی مذاکرات برای آمریکا را دشوار می‌کرد. دوم، اتهام همکاری‌های نظامی بین ایران و روسیه در خلال جنگ اوکراین که به طور خاص در موضوع پهپادها شاهد بودیم. اکنون شرایطی فراهم شده که این دو محور از دید مقامات آمریکا قابل چشم‌پوشی است و به طور غیرمستقیم، گفت و گو با طرف ایرانی را به محتوای گفت و گو با ایران نبرداخته است. عبدالرضا فرجی‌راد درباره علل تمایل ایران و غرب به این گفت‌وگوها گفت: توافق موقت اظهار کرد: از یک سو، ایران به دلیل مشکلات اقتصادی به این توافق نیاز دارد و از سوی دیگر ایالات متحده به علت نزدیک شدن به زمان انتخابات ریاست جمهوری به این توافق تمایل پیدا کرده است. در واقع بایدن باید بتواند به رقابای جمهوری خواه خود پاسخ دهد که طی ۴ سال گذشته در قبال ایران چه کرده است. ما هنوز نمی‌دانیم توافق پیش‌رو بلندمدت است یا کوتاه مدت، اما به نظر می‌رسد طرفین در حال چانه‌زنی برای رسیدن به اجماع نظر هستند. سفیر پیشین ایران در نروژ و مجارستان درباره نقاط مهم در چانه‌زنی طرفین در محتوای برجام افزود: طرف آمریکایی به دنبال توافق موقت یا یک توافق غیر برجامی است، اما احتمالاً ایران بر برجام تأکید دارد. این بخش، می‌تواند نقطه اختلافی باشد که مورد بحث است. روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، در بهبود شرایط مذاکرات بی تأثیر نبود. آمریکا متوجه شده که در سایه توسعه روابط ایران با کشورهای عرب منطقه، تحمیل فشار مضاعف بر ایران چندان منطقی نخواهد بود. مدیرکل پیشین شورای راهبردی روابط خارجی در خصوص مزایای پیوستن به توافق موقت تصریح کرد: معتقدم که طرف ایرانی مخالف توافق موقت است. اما توافق موقت گشایش‌های اقتصادی برای ایران ایجاد می‌کند و ایران می‌تواند پول‌های بلوکه شده در عراق و کره جنوبی را آزاد کرده و با ظرفیت بالاتری نفت بفروشد و پول نفت با شرایط بهتری وارد سیستم بانکی ما شود. دولت فعلی ایالات متحده نیز می‌تواند با کمک توافق موقت، از بحران انتخابات عبور کند. وی تأکید کرد: ایران غنی‌سازی ۶۰ درصدی خود را دارد و چیزی از دست نمی‌دهد. البته منافع ملی ما می‌تواند حداقلی و حداکثری باشد و این گشایش اقتصادی و رضایت، در دسته حداقلی‌هاست.

**پس چرا پروازای ملی تأثیرگذاری خود را بر مناسبات اجتماعی و سیاسی از دست داد؟**

امروز ما اصلا چیزی به نام سرمایه‌دار ایرانی به معنای کسی که نه فقط واسطه‌گری و خرید و فروش در بحث تجارت کند، نداریم. البته تجارت نه بر مبنای تولید بلکه فقط انتقال کالا و فروش آن و بهره بردن از انتقال کلاست. لذا پروازای در ایران غایب است. چراکه اگر پروازای در ایران بود ما به سهولت رفتار می‌کردیم. چون توسعه مستقیماً باعث توسعه پروازای است و غیر مستقیم دموکراسی باعث رشد پروازای به واسطه طبقه متوسط است. پایان یک دوره تاریخی که ما مستقر می‌شویم به شکل درست یا غلط و یا یک مدرنیته خاص که تعابیر متفاوتی دوستان مطرح می‌کنند، در همین جا تعطیلی و پایان اینهاست و بعد ایجاد یک شرایط زمینه‌ها و بستر برای تولد به صورت جدیدی از حیات جامعه ایرانی است. بنابراین جامعه ایرانی جدید متولد می‌شود و ما با زایش یک جامعه جدید ایرانی روبه‌رو هستیم که در این جامعه جدید قطعا مسائل متفاوت مطرح است. به عنوان مثال اگر تادیروز دغدغه دوگانه اصلاح طلبی و اصولگرایی و اخلاق و دین و از آن طرح دموکراسی و سامانه اجتماعی بود، اینجا هیچ کدام مسأله اول نیستند. مفهوم زندگی اول است. مفهوم زندگی اجتماعی واقعاً در اینجا استعماری نیست و در اینجا خود را به خوبی نشان می‌دهد. گفتمان یک تغییر عنصر مرکزی و یک فضای فرهنگی و اندیشه‌ای است.

**تغییر مفهوم حیات در جامعه ایرانی با توجه به چه بازیگرانی رخ داده است؟ آیا باز یگران این عرصه هم تغییر کرده‌اند؟**

بله، اتفاق دومی که در جهان مدرن و جدید ایرانی افتاده انتظارات و درخواست‌ها و ظهور بازیگران جدید است؛ بازیگرانی که در جامعه ایرانی بودند اما بعد بازیگر جدی شدند. ورود زنان در این عرصه، نه به معنای فمینیستی و نه به معنای باز تولید چیزی به نام پدرسالاری جدید است. زیرا در بسیاری از مکان‌ها زنان ابزاری برای باز تولید پدرسالاری جدید شده‌اند که در فرهنگ اروپا و آمریکای شمالی دیده می‌شود. در پنهان حرکت‌های اجتماعی جامعه ایرانی و جامعه شرقی هم این پدرسالاری جدید را می‌بینیم. به گونه‌ای که زنان می‌آیند و پدر سالاری مضمحل شده و به سقوط کشیده شده را برپا می‌کنند تا بتوانند به عنوان دفاع از خانواده زیست و حیات داشته باشند. لذا این روند نه فمینیستی است و نه به معنای پدرسالاری جدید است. این جهان اجتماعی هم چیزی به نام درهم شدگی عدالت و توسعه و دموکراسی در هم شده است که در مقابل یکدیگر هستند. زیرا زنان نماد تولید کالایی به نام فرهنگ هستند. این نماد، نماد فرهنگ و انضباط پذیری و سازگاری و اعتدال هستند. این حرف را به طور ضمنی اما ضعیف مهندس بازارگان در کتاب سازگاری ایرانیان بیان کرده بود. اما ایشان تحلیل سیاسی ماجرا را بیان کردند اما در تحلیل فرهنگی مفهوم سازگاری و تولید فرهنگ و توانایی در تولید فرهنگ است که جهان ایرانی به لحاظ تاریخی داشته است. ما در حال روبه‌رو شدن با این مفهوم در جامعه جدید هستیم که قطعا پرهیز از خشونت هم در آن قرار دارد.



**دولت‌هایی که در دوران طولانی آمدند و هم‌رژیم گذشته و هم جمهوری اسلامی و حتی گروه‌های سیاسی و احزاب تلاش کردند تا نیروها و عناصر جامعه ایرانی را به شکلی مدرن کنند. بنابراین یکی از طریق حزب و دیگری از طریق دانشگاه و تالیف کتاب و موسیقی و حوزه دین و نهادها و سازمان‌های اجتماعی تلاش کرده است. لذا این تلاش طولانی بیش از ۱۵۰ ساله جامعه ایرانی، برای ورود به جامعه مدرن است که مناقشه‌ها و منازعات آن را هم با همین معنا باید توضیح داد**